

اشاره: آیت الله محمد آصف محسنی بی تردید از برجسته ترین عالمان دینی افغانستان است. او که بیش از ۵۰ جلد کتاب در حوزه های مختلف دینی منتشر کرده، در دوران جهاد، رهبر یکی از احزاب جهادی افغانستان بود.

بعضی ها معتقدند که او تاثیر گذارترین شخصیت مذهبی-سیاسی امروز افغانستان است که برای حفظ اصالت ها و ارزش های اسلامی افغانستان می کوشد. تاسیس حوزه علمیه خاتم النبیین (ص) و راه اندازی شبکه تلویزیونی «تمدن» با مدیریت او در شهر کابل مؤید این مطلب است. گفت و گویی که در پی می آید، اگرچه در تابستان ۱۳۸۵ انجام شده است؛ ولی هنوز هم تازگی دارد. او معتقد است که تلویزیون خصوصی اثن نماینده اکثریت خاموشی جامعه افغانستان است.

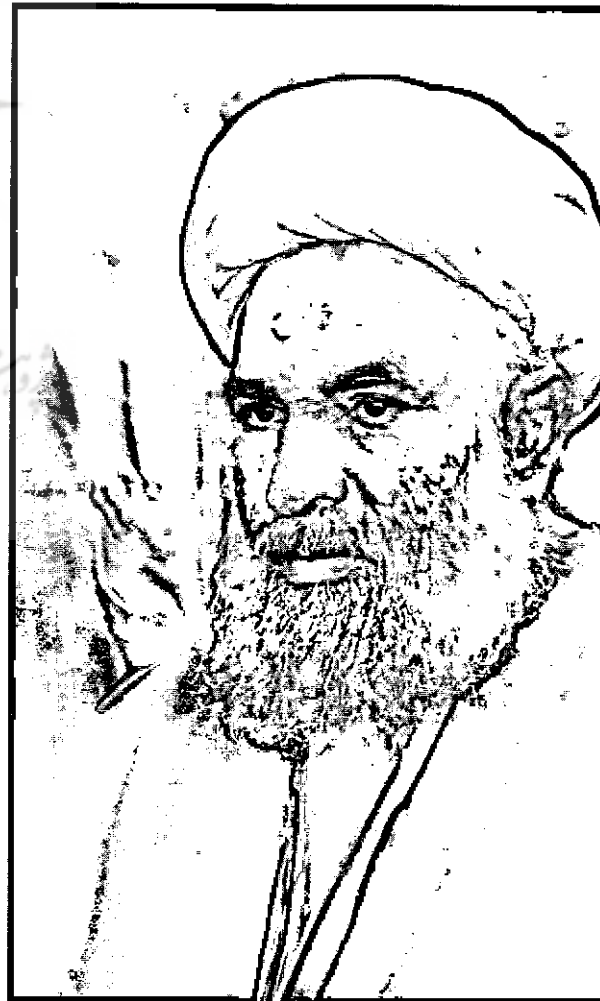
## گفت و گو با آیت الله محمد آصف محسنی رئیس شورای علمای شیعه افغانستان

### وینیاکنار حوزه علمیه خاتم النبیین (ص) در کابل

# من برای زنده ها آمده ام

محمد سرور رحمانی

حضرت آیت الله، در آغاز می خواهیم درباره حوزه علمیه خاتم النبیین (ص) که در بین شهروندان کابل به دانشگاه هم معروف است بیشتر بدانیم. بسم الله الرحمن الرحیم. مساحت ساختمان حوزه علمیه تقریباً ۲۸ هزار متر مربع است که زمین آن را دولت در اختیار ما گذاشته است. در این مکان، دوازده ساختمان در نظر گرفته شده است که ساخت دو-سه ساختمانش هنوز شروع نشده؛ ولی بقیه اش یا تکمیل شده یا در شرف تکمیل است. فکر می کنم تا یک سال آینده تمام کارهای عمرانی آن به پایان برسد. مسجد این حوزه -که در حال ساخت است- می تواند همزمان پذیرای دوهزار نمازگزار باشد. تالار سخنرانی یا حسینیه گنجایش بیش از دوهزار نفر را دارد. همان طور که می دانید این حوزه در غرب کابل در کنار جاده دارالامان واقع شده است. برای تجهیز کتابخانه آن ۲۵۰ هزار جلد کتاب با عنوان های مختلف پیش بینی شده است که با وسایل مدرن کتابداری در اختیار مراجعان قرار خواهد گرفت. طبقه دوم این ساختمان را به قرائت خانه اختصاص داده ایم که ظرفیت ۴۰۰ نفر را دارد. مرکز تحقیقات علمی در طبقه سوم واقع شده است که تمام محققان اعم از شیعه و سنی، علمای دینی و استادان دانشگاه می توانند در این مرکز به مطالعه و تحقیق بپردازند. همچنین تصمیم داریم که انواع کتاب های دینی، علوم تجربی، علوم انسانی و غیره را در این کتابخانه جمع و ان شاء الله یک حرکت علمی را از همین حوزه آغاز کنیم. در کنار حوزه، مدرسه های ویژه خواهران در نظر گرفته شده که به لطف خدا به بهره برداری رسیده است و تعداد زیادی طلبه خانم، فعلاً در آنجا مشغول به تحصیل اند. دخترانی که دارای مدرک دیپلم باشند می توانند در این مدرسه به تحصیلات خود تا مقطع



لیسانس ادامه دهند. از آنجا که برنامه درسی «فاکولته» (دانشکده) شرعیات را برای من آورده اند و من آن را مطالعه کرده ام، به جرئت می توانم ادعا کنم که دختران دانشجوی ما دو برابر برنامه درسی دانشکده شرعیات دانشگاه دولتی درس می خوانند. امیدوارم در آینده نه چندان دور، خواهران ما از همین دختران مشغول به تحصیل استفاده ببرند و آنان بتوانند منشا اثر باشند.

برای مدرسان حوزه هم ساختمان هایی پیش بینی کرده ایم که در داخل حوزه در دست ساخت است. خوابگاه تحصیلی نیز با ظرفیت ۱۵۰۰ نفر در دست ساخت است. ظرفیت کلاس های درسی این حوزه ۸۰۰ نفر است.

امیدواریم که این حوزه ظرف یک سال آینده و بلکه زودتر تکمیل شود و خداوند توفیق استفاده از این مکان را به مومنان و متدینان بدهد. در مدرسه خواهران یا به عبارتی دانشکده شرعیات مخصوص خانم ها، همزمان چند نفر دانشجو می توانند به تحصیل بپردازند؟

مدرسه خواهران قابلیت پذیرش ۳۴۰ نفر را دارد. علاوه بر این که ما در این مدرسه دارالقرآن هم داریم و جای شگفتی است که با وجود تهاجم فرهنگ بیگانه، دویست نفر از اطراف کابل برای آموزش قرآن کریم به این مرکز می آیند؛ حتی بعضی از آن ها در مسیرشان سه ماشین عوض می کنند تا به مدرسه برسند. ما به خواهرانی که دیپلم دارند کرایه ماشینشان را می پردازیم؛ ولی آن هایی که در کلاس های مدرسه درس می خوانند و آن هایی که به دارالقرآن می آیند با هزینه شخصی شان رفت و آمد می کنند. مدت زمان برنامه درسی آن ها دو ساعت در روز است که شامل احکام و عقاید و روخوانی و روان خوانی قرآن کریم است. عده زیادی از این خواهران هم از اهل سنت هستند؛ چون ما هیچ شرطی برای شیعه یا سنی بودن افراد شرکت کننده در دارالقرآن تعیین نکرده ایم.

استادان حوزه خواهران، زن هستند یا مرد؟ همگی زن هستند. مدتی آقای مهدوی درس اخلاق می دادند که حالا مدرس این رشته هم تغییر کرده و یک استاد خانم این درس را تدریس می کند. درباره شورای علمای شیعه بگویید: آیا مرکز این شورا در همین حوزه است؟

بله، مرکز شورای علمای شیعه در همین مکان استقرار دارد. من در آئین نامه حوزه نیز به این موضوع اشاره کرده ام، زیرا این شورا برای جامعه افغانستان مفید است. هیات ائمه حوزه حتی بعد از من باید دفتر این شورا را در اختیار شورا بگذارند تا به فعالیتش ادامه بدهد.

آیا شورای علمای برنامه خاصی را دنبال می کند یا فقط اعضای آن در جلسات هفتگی و بدون برنامه خاصی گرد هم می آیند؟

ما الآن در شصت فرمانداری و مراکز ولایات نمایندگی داریم و با هم در ارتباط هستیم. علاوه بر آن، شورای

دیگری به نام شورای اخوت اسلامی داریم که در بین برادران شیعه و سنی جلساتی را دایر می‌کند. در جلسات این شورا که در شهر کابل برگزار می‌شود؛ برنامه‌ها و تصمیماتی را مد نظر گرفته‌اند. من امیدوارم که فعالیت و کارکرد این شورا در آینده بهبود یابد.

**آقای محسنی، هدف من از طرح سوال قبلی این بود که آیا این شورا در مناسبت‌های مذهبی مثل روزهای میلاد و شهادت، برنامه‌ای دارد؟**

برنامه‌های مربوط به میلاد یا سخنرانی‌های ایام عزاداری را معمولاً تمام حسینیه‌ها و مساجد اجرا می‌کنند؛ چه ما انجام بدهیم و چه ندهیم، مسئله مهمی نیست. ما می‌خواهیم کارهای مهم‌تری بکنیم و این در آیین‌نامه شورا آمده است که ان‌شاءالله اجرا خواهد شد.

**در سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) در شهر کابل دیدم که نشانی از عزاداری نبود تا جایی که حتی صدای موسیقی از ماشین‌های جوانان شیعه شنیده می‌شد؛ نظر شما در این موارد چیست؟**

ببینید وقتی به کابل می‌آید دیگر فکر ایران را از سر خود بیرون کنید! شرایط این‌جا فرق می‌کند. فرهنگ دینی مردم ما پایین است و ضمناً بیشتر مسلمانان افغان از شیعیان نیستند.

**شبکه تلویزیونی تمدن را به چه علت راه‌اندازی کردید؛ در حالی که پنج شبکه تلویزیونی هم‌اکنون در کابل فعالیت دارند؟**

شما می‌توانید این سوال را از آن پنج شبکه پرسید! هر جوابی که آن‌ها دادند، جواب من هم همان است. همان‌طور که از نام این تلویزیون فهمیده می‌شود؛ ما می‌خواهیم اوضاع ملت مسلمان از دیدگاه فرهنگ اسلامی پیش برود. فرهنگ اسلامی ظرفیت تمدن‌سازی را دارد. همین فرهنگ اسلامی بود که در اوایل دوران اسلامی، یک تمدن را به‌وجود آورد. به باور ما اگر امروز هم فرهنگ اسلامی در کشورمان جا بیفتد و جایگاه خود را پیدا کند؛ منجر به پیدایش یک تمدن می‌شود. ما هم بنا به توصیه قرآن کریم که می‌فرماید: «ربنا آتنا فی الدنيا...» که هم خوشبختی دنیا و هم آخرت را می‌طلبید، می‌خواهیم مشکلات اقتصادی و اجتماعی‌مان با حفظ ارزش‌های معنوی حل شوند.

**شبکه تلویزیونی تمدن برای جهت‌دهی دولت چه طرحی دارد؛ آیا وارد این عرصه خواهد شد؟**

ما به هیچ‌کس نه مرده‌باید می‌گوییم، نه زنده‌باد! نه طرفدار دولت هستیم، نه مخالف آن. نه از دولت کمک می‌گیریم و نه از آن می‌ترسیم.

فکر ما خدمت به ملت است. ما می‌خواهیم نماینده اکثریت خاموش افغانستان باشیم؛ می‌خواهیم به‌نفع آن‌ها صحبت کنیم، مصالح عمومی کشور را مطرح و همه را در قالب فرهنگ اسلامی بیان کنیم.

**الگو برداری شما در این مسیر از رسانه‌های تصویری کدام‌یک از کشورهای منطقه یا جهان است؟**

الگوی ما مطابق با شرایط محیطی خودمان است که آن را اختراع می‌کنیم و از هیچ جایی آن را نمی‌گیریم. در ضمن، به یک سلسله تجربه نیاز داریم و باید از دیگران یاد بگیریم. ولی این یک مسئله ثانویه است و اصل قضیه این است که ما از جایی تقلید نمی‌کنیم. همان‌طور که پیش‌تر گفتم، ما شرایط محیطی خود را در نظر می‌گیریم و از مصالح اکثریت خاموش خود حمایت می‌کنیم. به باور ما التزام به فرهنگ اسلامی نه تنها در قرن بیست و یکم، که در همه قرون و اعصار صدر در صد به نفع زندگانی دنیوی مردم است و ما قصد داریم این فرهنگ اسلامی را جا بیندازیم.

**نظر شما درباره نقش زن در رسانه‌های تصویری افغانستان چیست؟ اصلاً تلویزیون تمدن چگونه می‌خواهد زن را معرفی کند؟**

ما می‌خواهیم زن در جامعه، مانند مرد کار کند و فعالانه حضور داشته باشد؛ ولی با رعایت حجاب و شئونات اسلامی. امروز از زن در تمام کشورها از جمله افغانستان برای انحراف نسل جوان استفاده می‌شود. به نام آزادی و حقوق زن، او را به آخرین درجه ابتذال می‌کشاند.

همه چیز خود را از دست داده‌اند. امروز فرهنگ‌های مهاجم صدها مشکل در داخل زادگاه‌شان دارند و مثل یک پسرزن عجزه خود را می‌آریند. سپس همین آرایش را به مردم نشان می‌دهند ولی قد خمیده و چهره چروکیده آن عجزه را نشان نمی‌دهند. فرهنگ‌هایی که امروز عرضه می‌شوند و جوانان ما را گمراه می‌کنند، فاقد محتوا هستند و در زادگاه خود به بن‌بست رسیده‌اند. مشکلات اجتماعی آن قدر زیاد است که حد ندارد. آمار پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا نشان می‌دهد که در هر پنج دقیقه یک تجاوز به عنف صورت می‌گیرد. در آن کشورها روابط زن و مرد و اختلاط آن‌ها که برای ما گناه کبیره محسوب می‌شود، مثل آب خوردن آزاد است. با تمام امکاناتی که برای روابط جنسی زن و مرد در آن کشورها وجود دارد، باز هم فساد زیاد شده است. به استناد منابع معتبر و خبرگزاری‌ها، زن در آن کشورها اگر به زندان برود به‌وسیله زندان‌بانان مورد تجاوز قرار می‌گیرد؛ اگر زن در حرفه نظامی گری وارد شود، تا زمانی که به خواسته‌های شهوانی صاحب‌منصب بالاتر از خود



فرهنگ‌هایی که امروز عرضه می‌شوند و جوانان ما را گمراه می‌کنند، فاقد محتوا هستند و در زادگاه خود به بن‌بست رسیده‌اند.

فکر ما خدمت به ملت است. ما می‌خواهیم نماینده اکثریت خاموش افغانستان باشیم؛ می‌خواهیم به‌نفع آن‌ها صحبت کنیم، مصالح عمومی کشور را مطرح و همه را در قالب فرهنگ اسلامی بیان کنیم.

پاسخ ندهد به منصب بالاتر ارتقا نمی‌یابد. فساد همه جا را فراگرفته است. تمام داستان حقوق زن، ملعبه است. بعضی اوقات فکر می‌کنم که عبارت «زن و زندگی» - که از قضا مفهومی مردسالارانه دارد- چقدر مورد خوشایند همه است! چرا نمی‌گوییم «مرد و زندگی»؟

اگر عبارت «مرد و زندگی» را از زن سوال کنیم، می‌گوید: «زن اگر شوهر نداشته باشد، زندگانی ندارد. همه چیزش باطل است؛ کسی به او چیزی نمی‌گوید. ولی وقتی می‌گویند «زن و زندگی» بدین معناست که زن خوب است و زندگی زن هم به مرد وابسته است. با همین مسائل و به نام حقوق زن توانسته‌اند زنان را فریب بدهند و روزبه‌روز زنجیرهای سیاه و کشیف بردگی را بر دست و پای زنان بیندازند؛ حتی

این کار توهین به زن و مقام انسانی اوست. ما مخالف این برنامه‌ها هستیم؛ می‌خواهیم حقوق زن به‌واسطه علم و کمالت حفظ شود؛ یعنی حقوقی که در راستای تکامل او و جامعه باشد. حقوق آن‌ها این است که باید از حقوقشان حمایت شود، نه این که آنان را به نام حقوق، ملعبه شهوت‌رانان قرار دهند.

**در این شرایط که افغانستان به نام دموکراسی مورد تهاجم وسیع فرهنگ بیگانه قرار گرفته است؛ فکر می‌کنید چه تاثیر و پیامدهایی برای فرهنگ ما در بر دارد؟**

تجربه ثابت کرده که هر وقت مسلمانان به فرهنگ خود نزدیک بوده‌اند در کارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و سایر موارد نیز توفیق یافته‌اند و هر وقت از این فرهنگ فاصله گرفته‌اند، شکست خورده و

کریه خود را آرایش کرده و چیز دیگری ندارد، به بن‌بست بکشانیم. اما فرهنگ ما معنویت و غنا دارد. ما باید دین را به موسیقی فطرت تعبیر کنیم، زیرا دین فطرت را نشانه می‌گیرد و آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این بزرگ‌ترین سرمایه ماست.

می‌گویند «موسیقی، غذای روح است». موسیقی شہوات حیوانی انسان را نیز تحریک می‌کند؛ اما دین به فطرت آدمی مراجعه می‌کند و عوارض جانبی را نادیده می‌گیرد و ضربتی پیش می‌رود و فطرت را بیدار می‌کند. اگر ما بتوانیم این کار را بکنیم، مسلماً موفق می‌شویم.

**مسئولان جمهوری اسلامی افغانستان با استفاده از چه راه‌کارهایی مانع تهاجم فرهنگی بیگانگان خواهند شد؟**

چنین فکری در این‌جا وجود ندارد. آیا موسیقی به‌عنوان یک هنر به تلویزیون تمدن راه می‌یابد؟

خیر. اگر بحث رقابت پیش بیاید، آیا تلویزیون تمدن قادر به رقابت با شبکه‌های دیگر خواهد بود و با چه امکاناتی رقابت خواهد کرد؟

این بحث زود است. من حالا هر چه بگویم در حد فرضیه است. هم‌اکنون می‌توانم شعارهای زیبا و تند و تیز بدهم؛ اما این کار بیپه‌ده است. باید دید که ما در عمل چه کاری می‌توانیم انجام بدهیم، چه امکاناتی داریم، چقدر ذوق داریم، چقدر همت داریم و چقدر اراده داریم. باید همان موقع در مورد این مسئله قضاوت شود. نه این‌که بجای آن که هنوز به‌دنبال نیامده، از چشمان بادامی‌اش صحبت کنیم.

**در این چند روزی که در کابل بودم، مسئله‌های را دیدم که سخت‌مرا آزار می‌دهد. می‌خواهم آن را به‌عنوان آخرین سوال مطرح کنم. با توجه به پرشدن ظرفیت گورستان‌های شهر کابل، آیا شما جایی را برای گورستان آینده شیعیان کابل در نظر گرفته‌اید تا آن را از دولت بگیرید؟**

ببینید، من با مرده‌ها سر و کار ندارم. من برای مرده‌ها نیامده‌ام، برای زنده‌ها آمده‌ام. می‌خواهم زنده‌ها را از مردن نجات بدهم؛ از مردن معنوی. بحث مرده‌ها در حیطه دیگران است. ده‌ها نفر در این باره اقدام کرده‌اند و گاهی که پیش من آمده‌اند، سفارش‌های خود را کرده‌ام؛ اما از نتیجه کار چیزی نمی‌دانم.

خودم هم به این موضوع فکر نمی‌کنم. می‌خواهم تا زمانی که زنده‌ام با زنده‌ها کار کنم. فکر ما را به طرف قبرستان نبرید؛ ما حالا کارهای زیادی داریم که باید انجام بدهیم.

در پایان دعا می‌کنم که خدا تلویزیون و تمام امکانات ما را در راه رضای خود و خدمت به دین و مصالح مردم صرف بگرداند و به ماتوفیق بدهد که به مردم خود خدمت کنیم. ان‌شاءالله به توفیقات شما هم بیفزاید.

■ متشکرم

ما باید دین را به موسیقی فطرت تعبیر کنیم، زیرا دین فطرت را نشانه می‌گیرد و آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این بزرگ‌ترین سرمایه ماست.

متفاوت است، اما جوهر قضیه یکی است. در حال حاضر تهاجم فرهنگی وجود دارد. فرهنگ اسلامی در کشور ما از قدیم وجود نداشته است. اگر ما در مقابل شوروی قیام کردیم، نه از روی فرهنگ و آگاهی که از روی احساسات مذهبی. زمانی که سیل می‌آید ممکن است زمین‌های خشک را آبیاری کند؛ ولی خانه‌ها را خراب می‌کند و فجایع بسیاری به‌بار می‌آورد. اگر ما سدسازی و به اندازه نیاز خودمان از آن آب استفاده کنیم می‌توانیم زمین را آب بدهیم، خانه بسازیم و آب‌های اضافی را نیز ذخیره کنیم. اما سیل این‌گونه نیست. مصیبت به‌بار می‌آورد. احساسات هم مثل سیل است. ما در دوران جهاد از احساسات مردم استفاده کردیم؛ ولی چون فرهنگ وجود نداشت، زود شکست خوردیم و امروز وضعیت ما به جایی رسیده که همه چیز را از دست‌رفته می‌بینیم. تمام اهداف جهاد فراموش شد و بهترین مجاهد ما امروز به فکر این است که حقوق ضایع شده و هیچ‌گاه از اهداف صحبت نمی‌کند. در حالی که آن اهداف هزاران بار از حقوق مجاهدین مهم‌تر بود. همه چیز از روی احساسات بود و ما فرهنگ ضعیفی داشتیم. طبعاً تهاجم فرهنگی، خصوصاً از طریق رسانه‌های سمعی و بصری تاثیر دارد. البته مجلات و نشریات تاثیر کمی دارند. شاید پنجاه درصد از مردم ما سواد داشته باشند و بتوانند از مطالب نشریات استفاده کنند. بنابراین، تاثیرات مثبت و منفی نشریات چندان قابل توجه نیست؛ ولی رادیو و تلویزیون تاثیر خود را می‌گذارند. فرهنگ اسلامی که ضعیف است. فرهنگ سنتی و قبیله‌ای ما نیز به بن‌بست رسیده ولی اگر ما وظیفه خود را بشناسیم؛ در اجتماع احساس مسئولیت کنیم؛ به آرامی و متانت فرهنگی اسلامی خود را رواج دهیم و فکر مردم را به سوی خود متمایل سازیم، مسلماً می‌توانیم تا حدود زیادی فرهنگ اسلامی را جا بیندازیم و فرهنگ توخالی مهاجم را فقط چهره



عقل و وجدان آن‌ها را نیز اسیر خود ساخته‌اند. زن را باید از این اسارت آزاد کرد و او را با مقام انسانی‌اش آشنا ساخت. بدین ترتیب همه چیز خودبه‌خود درست می‌شود. من اعتقاد دارم که زن هم در شرق اسیر است و هم در غرب؛ ولی نحوه اسارتش فرق می‌کند. در کشورهای عقب‌مانده اگر مرد بمیرد قهرآ میراث برادر شوهر است که باید با او ازدواج کند. زن تا در خانه است پدر بر سر او معامله می‌کند و او را می‌فروشد و پولی به نام «گله» [شیربها] می‌گیرد تا او را به خانه شوهر بفرستد. در خانه شوهر هم از او مانند چارپایان کار می‌کشند؛ زن از خود هیچ اختیاری ندارد. این یک نوع اسارت است. در غرب هم

من با مرده‌ها سر و کار ندارم. من برای مرده‌ها نیامده‌ام، برای زنده‌ها آمده‌ام. می‌خواهم زنده‌ها را از مردن نجات بدهم؛ از مردن معنوی

زن را به کارخانه‌های تولیدی یا کباب‌ها و رقص‌خانه‌ها می‌برند تا وسیله‌ای شود برای ثروتمندتر شدن سرمایه‌داران شکم‌گنده. زن در این جوامع از نعمت زندگی در خانواده محروم است. به عقیده من، تا زمانی که زنان به یک انقلاب فرهنگی در پناه اسلام دست نزنند، در همین اسارت باقی می‌مانند. ما باید به‌وسیله فرهنگ اسلامی خود زن را هم در غرب و هم در شرق نجات دهیم و بستری فراهم کنیم تا آنان به حقوق و کرامت انسانی خود برسند. زن در هر حال اسیر است؛ فقط نحوه اسارتش فرق می‌کند. رنگ‌ها